



Available online at <http://jgu.garmian.edu.krd>



Journal of University of Garmian

<https://doi.org/10.24271/garmian.24.11C32>

مقایسه معماری قلعه شیروانه کلاز و قلعه والی ایلام

نسرین علی اکبری^۱، فروغ علی اکبری^۲

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه کردستان (سنندج)

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه جهاد کرمانشاه

Article Info		چکیده:
Received:	September, 2023	قلعه یکی از مهم‌ترین بناهای تاریخی است که در دوره‌های گوناگون تاریخی با کارکردهای گوناگون ساخته شده‌اند. ارتفاعات زاگرس و دشت‌ها و دره‌های میان رشته کوه‌های آن یکی از مکان‌های مستعد ساخت قلعه بوده که به منظوره‌ای گوناگون ساخته شده است. برخی از آن‌ها کارکرد نظامی داشته، برخی مکانی برای اداره شهر و بعضی دیگر محلی برای اسکان والی و بزرگ آن سرزمین بوده است. قدمت و دیرینگی بسیاری از آن‌ها به دوره‌های دور و دیر تمدن بشر بازمی‌گردد. برخی از آن‌ها تخریب شده و بر جایگاه آن‌ها به دلیل تغییر شرایط، قلعه‌های جدید با کارکرد نوین ساخته شده، برخی از آن‌ها مرمت شده‌اند و برخی از آن‌ها در دوره‌های جدیدتر بازسازی شده‌اند. بدیهی است که ساختمان، سازه و کارکرد این قلعه‌ها با جغرافیای محل ساخت خود و سیاست‌های حاکمان آن متناسب بوده‌اند. آثار برجای مانده در دره‌ها و قلعه‌های زاگرس، بخصوص شهرهایی که درمیانۀ ایران و میان‌رودان قرار دارند به دلیل همجواری و وحدت فرهنگی همانندی‌های زیادی با یکدیگر دارند. قلعه شیروانه در کلاز و قلعه‌های (ناپستانی و زمستانی) والی در ایلام از جمله قلعه‌های حاکم نشینی هستند که در این تحقیق با یکدیگر مقایسه می‌شوند و در طی مقاله بر سر آنیم که به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که با توجه به سبک معماری آن‌ها، سازه‌های به کار رفته و دیگر شاخص‌ها این قلعه‌ها آثار مرمت شده عهد ساسانی هستند یا بناهای جدیدی که در دوره‌های متأخر به دست والیان دو شهر ساخته شده‌اند.
Revised:	February, 2024	
Accepted:	March, 2024	
Keywords		معماری، بناهای تاریخی، قلعه، کلاز، ایلام، شیروانه والی
Corresponding Author		

مقدمه:

استان ایلام، یکی از استان‌های ایران است که نشان‌های تمدن و زیست انسان در آن، از روزگاران کهن در دست است. وجود آثار باستانی فراوان در استان ایلام از دوره ساسانی نشان می‌دهد که این منطقه در آن زمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. آثار 30 شهر گمشده به جای مانده از تمدن‌های ایلام و ساسانی از جمله؛ سیمره، سیروان، اریوجان، دز و دهبال و بیش از یک هزار اثر تاریخی، فرهنگی، زیارتی، طبیعی و دیدنی نمودی از دیرینگی تاریخ و تمدن این سرزمین پر رمز و راز است. آثار تاریخی استان از جمله قلعه‌های دوره قاجار به عنوان یکی از منابع تاریخی این منطقه، میراث باارزشی به مثابه هویت هستند.

گرمیان، نیز یکی از استان‌های اقلیم کردستان است که قدمتی زیاد دارد و نام آن با دو تمدن بزرگ آشور و ساسانی پیوند خورده است. قدمت و همجواری آن با ایلام سبب شد که گمان بریم علاوه بر مشابهت‌هایی که به طور معمول در سطح فرهنگ، آداب و رسوم، زبان و ... مطرح هست میان قلعه‌های این دو استان نیز پیوندهایی باشد. این پیوندها هم به لحاظ تاریخی و هم به لحاظ اجتماعی اهمیت دارد زیرا هر دو استان روزی روزگاری در قلمرو حکومت گران ساسانی بوده‌اند و آثار باستانی بر جای مانده از آن دوران اگرچه، اکنون به صورت مخروبه هستند اما می‌توان گمان برد مانند بسیاری دیگر از پدیده‌های اجتماعی. فرهنگی تأثیرات پابرجای خود را حفظ کرده باشد.

قلعه یکی از انواع آثار تاریخی است که تعداد آن در این استان قابل توجه است. با توجه به جغرافیای آن به لحاظ معماری هم از تنوع برخوردار است و هم برخی از آن‌ها دارای معماری خاصی است. قلعه و قلعه‌سازی در فرهنگ معماری ساکنین ایران و میان‌رودان جایگاهی خاص و کاربردهای گوناگونی دارد. یکی از مهم‌ترین کاربردهای آن حفاظت از جان و حفظ امنیت ساکنین آن‌هاست.

یکی از مواردی که چشمگیر است وجود قلعه‌های والی در استان ایلام و قلعه شیروانه در کلاز است. این بناها همزمان ساخته شده‌اند. گرچه، در دوره ساخت آن‌ها گرمیان در حوزه سیاسی ایران نیست و جزو ممالک عثمانی بوده است اما یگانگی فرهنگی و نشانه‌های روح معماری ایرانی در ساخت این بناها به چشم می‌خورد. در این جستار به مقایسه آن قلعه‌ها با قلعه شیروانه که آن هم دارای اهمیت تاریخی و فرهنگی است پرداخته می‌شود.

در باره قلعه‌های ایلام از چشم‌اندازهای گوناگون پژوهش شده است که عمدتاً به برخی جنبه‌های تاریخی، گردشگری و ... پرداخته است. اما از آن‌جا که این بناها به نوعی بازتاب‌دهنده فرهنگ، آداب و رسوم و هویت این منطقه هستند می‌توانند به لحاظ معماری نیز مورد مطالعه قرارگیرند و با آثار مشابه در کشور همسایه مقایسه شوند. اما متأسفانه در باره قلعه شیروانه اثر پژوهشی‌ای نیافتیم و به اطلاعات موجود در موتورهای جستجوگر در اینترنت اکتفا کردم.

در این پژوهش سعی در شناخت الگوهای معماری مشترک میان قلعه‌های والی و شیروانه داریم که از چند زاویه به مشابهت‌ها، شناخت زیست ساکنان، اصول و رفتارها، زندگی سیاسی، اجتماعی، تأثیر این عوامل در شکل‌گیری فضاها و روابط، عملکرد و اهمیت آن‌ها، در قلعه‌ها بررسی می‌شود.

روش تحقیق

روش تحقیق تاریخی، تفسیری و روش استدلال قیاسی است که با مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی به بررسی و تحلیل مؤلفه‌های معماری و ساختارهای آن از قدیم تا کنون به سه قلعه مورد نظر پرداخته شده است. لازم است اندکی در باره روش تاریخی، تفسیری توضیح دهیم. در روش‌های تحقیق در معماری، لیندا گروت و دیوید وانگ چهار نگرش اصلی را معرفی می‌کنند. در نگرش دوم تاریخ را به منزله حرکت روح مطلق می‌دانند و رویکرد تفسیری نیز نوعی بینش هگلی است که شباهت‌های موجود میان پدیده‌ها را در هر دوره تاریخی واکاوی می‌کند. بر این اساس، به هم‌شکلی یا تفاوت‌های این دو بنا پرداخته می‌شود.

مبانی نظری

اظهار قدرت همواره از کارکردهای اصلی معماری بوده است (گروبه و همکاران، 1380: 48). این تلقی از ساخت و ساز هم پیش از اسلام و هم در دوره‌های اسلامی از اهداف اولیه و اساسی معماری بوده است. از نظر کارکردهای معماری قلعه‌ها طیف وسیعی از سازه‌ها را دربرمی‌گیرد. تنوع در شکل ظاهری قلعه‌ها موجب شده تا تصور شود که وجود قلعه‌ها قبل از این که ناشی از ضرورت انطباق با محیط جغرافیایی خاص بوده باشد و یا نتیجه شدت گرفتن ناامنی، بیشتر نشان از سبک معماری ویژه‌ای است (زارعی و باباکمال به نقل از دپالانول، 1393: 199). به عبارتی دیگر، شکل قلعه و نوع معماری آن از ویژگی‌های تمدن کهن ایرانی در فلات آسیای مرکزی و خاور نزدیک است (نوربخش، 1366: 147). قلاع عموماً دارای استحکامات نظامی از جمله بارو و خندق می‌باشند. برخی حکومتی و برخی مسکونی و برخی حکومتی. مسکونی هستند. قلعه‌های مورد نظر حکومتی. مسکونی بوده‌اند. به ویژگی‌های کلی آن‌ها و تحلیل عناصر مختلف معماری، عملکردها و فضاها، قلعه‌ها و نسبت کلی آن‌ها با معماری کهن ایرانی پرداخته می‌شود. پیش از آن، معماری ایران از دوره هخامنشیان تا دوره ساسانی مروری خواهیم کرد.

معماری ایران

معماری ایران، بیش از 6000 سال تاریخ پیوسته دارد. دست کم از 5000 سال پیش از میلاد تا به امروز. قدمت این معماری در جغرافیای پهناوری از سوریه تا شمال هند و مرزهای چین، قفقاز تا زنگبار پراکنده است. بناهای ایران متنوع است، از کلبه‌های دهقانی، قهوه‌خانه‌ها، کوشک‌ها، تا زیباترین و شاهانه‌ترین ساختمان‌هایی که جهان به خود دیده است. سیمای متمایز معماری ایران در طول تاریخ شکل‌های ساده و موقری با آرایش غنی است. معماری ایران دارای استمرار بوده که هر چند بارها بر اثر کشمکش‌های داخلی یا هجوم خارجی دستخوش فترت یا انحراف موقت شده، با این همه به سبکی دست یافته که با هیچ سبک دیگری قابل اشتباه نیست (پوپ، 1385: 9).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معماری ایرانی سادگی آن است که نه تنها به ساکنین آن آرامش می‌بخشد بلکه بیننده را نیز جلب کند. «توجه حجم و نمای اغلب بناها ساده است و از دور روح آرامش و اطمینان را القا می‌کند. این شیوه سخت مورد تحسین ایرانیان قرار گرفته، به ویژه وقتی با هیجانی مهارشده و ناشی از محوطه وسیع دارای رنگ‌های غنی و آرایش تو در تو ترکیب شده باشد که بیننده را به سیاحتی فارغ بال می‌خواند (همان، 9-10).

نقش انگیزه‌های دینی در معماری ایرانی

در ساختن بناها و شیوه معماری می‌توان انگیزه‌های مهم و گوناگونی را ردیابی کرد. پوپ انگیزه دینی را برجسته می‌داند و و حتی منشأ آن را ایران می‌داند حال آن که بین‌النهرین به عنوان خاستگاه بعث پیامبران سامی می‌توانست چنین انگیزه‌ای را ایجاد کند. او معتقد است که «انگیزه‌های دینی که برای معماری سخت حیاتی بود ممکن است در فلات ایران پدید آمده و سپس به جلگه‌ها انتقال یافته و پس از رشد یافتن در آن‌جا، دوباره به فلات ایران بازگشته باشد» (همان، 14).

نخستین مراحل شناخته‌شده ساختمان در ایران

تاریخ‌نگاران از دوره نوسنگی آثاری از یک‌جانشینی انسان در دره‌های زاگرس که قلمرو تمدن ایرانی بوده است را نشان داده‌اند. در این دوره ساختمان‌سازی شروع و به عنوان نخستین مراحل تمدن یک‌جانشینی در تاریخ ثبت شده است. «نخستین مراحل شناخته‌شده ساختمان در ایران، بیشتر در دره‌های غربی کمی در شرق کوه‌های زاگرس است. اینها همه نخستین جوامع نوسنگی قدیم بود» (همان، 15). از این نمونه‌ها می‌توان شواهد متعددی را ذکر کرد. شواهدی از قدیم‌ترین بنای مناسب و سفال‌نقشدار که در جرمو (ح. 6500 ق. م.) و حسونه (ح. 6000 ق. م.) در آن سوی کوه‌های شمال بین‌النهرین، در تپه گوره (ح. 4500 ق. م.) در نزدیک کوه‌های زاگرس در شمال غربی بین‌النهرین دیده می‌شود، حاکی از آن است که در طول سلسله جبال مشابهت فرهنگی وجود داشت. همه از سرزمینی کوهستانی در شرق فرودآمد که می‌توانست ایران باشد (همان، 15).

معبد تپه گوره

معبد تپه گوره (در شمال خاوری بین‌النهرین، ح. 4000 ق. م.) احساس معماری را در سر در خوشنما ولی ابتدایی و در مطابقت دقیق دیوارهای داخلی و جرزهای خارجی‌اش نشان می‌دهد. به علاوه رنگ بدوی بناهای قدیم که قرمز یک‌دست است، در این‌جا، جای خود را به قهوه‌ای، عنابی و ارغوانی داده است.

ایجاد شهرهای بزرگ در بین‌النهرین پس از نیمه هزاره سوم، نشانه پیشرفت مهمی در تمدن است. این مراکز شهرنشینی به عنوان سرچشمه‌های ترقی جانشین جامعه‌های کوچک کشاورزی شدند. آن‌ها از هر دو لحاظ وسعت و جمعیت بزرگ بودند و دارای حکومت پیچیده، قوانین مدون، تفکیک

مسئولیت و بازرگانی فعال با جوامع دیگر. چنین روایتی هم منبع ثروت اقتصادی بود و هم تحرک فرهنگی و فعالیت‌های معنوی تازه و کمالات هنری از آن تکامل می‌یافت و به ایران منتقل می‌شد (همان، 16).

از حوالی سال 800 پیش از میلاد نیروی جهانی تازه‌ای در فلات ایران و مرزهای کوهستانی غرب آن شکل گرفت. در این ناحیه مهاجرت‌های انبوهی صورت گرفت، گروه‌های کوچک چادرنشین به حرکت درآمدند، حتی قبایل منفرد کوهنشین که دره‌ها از هم جداشان می‌ساخت، مردمی که در شهرهای برج و بارودار یا دهکده‌های پراکنده می‌زیستند، برای مقابله با خطر مشترک. حمله بابل و آشور. موقتاً با هم متحد می‌شدند. از میان این اقوام گوناگون بود که سرانجام، مادها به صورت نیروی مسلط ظهور کردند، استقلال خود را از آشور به دست آوردند و در سال 612 پ. م. نینوا را گشودند. در اواخر سده هفتم، شاهسان هوشتره، اکباتان را به پایتختی خویش برگزید.

ویژگی‌های معماری در دوران گذشته

مقارن سده‌های نهم و هشتم، در شمال باختری ایران و خاور آناتولی معماری سنگی و آجری جالب و مؤثری تکوین یافت. حکاکی‌های تصویری و کتیبه‌های آشوری اطلاعاتی پیرامون این فرهنگ پیشرفته و جنبه‌های معماری آن به ما عرضه می‌کند. شهرها را باروهای سنگی دوگانه و حتی سه‌گانه به کلفتی 4 متر و بلندی 12 متر محافظت می‌کرد که حتی دارای خندق‌های دفاعی هم بود. حجم این باروها را می‌توان در سمت چپ قلعه حسنلو دید. قبایل مهاجر ایرانی که از شمال و شرق می‌آمدند، مدتی در این ناحیه شمال باختری ایران سکونت گزیدند و از این بناهای سده‌های نهم و هشتم پ. م. فنون معماری و ذوق و سبک کسب کردند. آنان این دستاوردهای مهم فرهنگی را با خود به وطن نهاییشان ایران جنوبی بردند که تأثیر آن‌ها نخست در مشهد، مسجد سلیمان و سپس در تخت جمشید و شوش دیده می‌شود (همان، 21).

مرور تاریخی

هخامنشیان

مقارن سال 560 پ. م. دو دولت ماد و پارس با هم متحد شدند و بدین ترتیب امپراتوری ایران آغاز شد. کورش و داریوش سرتاسر آسیای باختری را تسخیر کردند و به صورت نخستین امپراتوری جهان درآمدند. این امپراتوری که 230 سال دوام یافت از نیل تا جیحون و از اژه تا گنگ را در تصرف داشت و عصر جدید و ثبات بی‌سابقه‌ای را آغاز و ایجاد کرد. ثروت هنگفت هخامنشیان بر تمام جنبه‌های زندگی مردم از جمله معماری خانه‌های آنان اثر عمیقی گذاشت. نمونه آن پاسارگاد است. انتخاب شوش، پایتخت باستانی عیلام، به عنوان پایتخت که هفت ماه از سال گرمای طاقت‌فرسای دارد جز با تدابیر معماری ممکن نبوده است. گبرشن که بسیاری از حفاری‌های شوش زیر نظر او انجام شده است از کاخ داریوش گزارش می‌دهد که بر روی یک گورستان کهن عیلامی بنا شده نشان می‌دهد که سازه‌های آن از خشت‌های قالبی که با ملات پر شده تشکیل شده، تیرهای چوبی آن از سروهای لبنان بوده، چوب یا کا از قندهار و کرمان، طلا از سارد و باختر، لاجورد گرانها و عقیق از سند و فیروزه از خوارزم، نقره و آبنوس از مصر، زیورهای آویخته بر دیوار از یونیه، عاج از حبشه، هند و آراخونیه آورده شده، سنگ ستون‌ها از آیرادو در عیلام بود. دست‌اندرکاران و سازندگان از اقوام و ملیت‌های گوناگون بودند. داریوش هدف از برافراشتن این کاخ را ایمن داشته‌شدن در برابر ناملایمات می‌داند.

زمین کاخ 250 در 150 بوده که بر روی یک صفاً بزرگ بوده است. شامل حیاط مرکزی به وسعت 27 در 28 متر، مفروش به آجر پاره با ملات آهک و مزین به گل سرخ بود. دیوار بلند محکمی از خشت خام، مزین به برج‌های دیده‌بانی این سکو را احاطه کرده بود. در کنار آن رود شاور آب لازم را برای یک خندق عمیق فراهم می‌ساخت و سبب می‌شد این مکان اندکی مرتفع تقریباً تسخیرناپذیر باشد. این بنا دارای وحدت، پیوستگی و قابلیت استفاده مشهود است. سیمای اصلی آن یک تالار بار عام بزرگ ستون‌دار (115 در 55) با ستون‌هایی به بلندی 20 متر و فاصله 8 متر بر بالای ستون‌ها، سرستون‌هایی با سرگاوهای نر پشت به هم داده قرار داشت و پایه ستون‌ها از یک جام نیلوفر آبی وارونه بیرون می‌آمد. پهنای زیاد ستون‌ها روشنایی را تأمین می‌کرد. پوپ این بنا را پیشاهنگ و سرمش آبدانای تخت جمشید می‌داند و به لحاظ احساس متعالی که سخت مورد ستایش ایرانیان بود و با خاموشی معابد مصری متفاوت می‌دید.

این یک نمونه معماری از بی‌شمار نمونه‌هایی است که در حمله اسکندر از میان رفت. علت آن که به این بنا به طور خاص پرداخته شد نزدیکی آن به دو کاخی است که مورد گفتگوی این جستار است.

سلوکیان

آثار معماری کمی در دست است تا مبین شکوه یا تجسم سلوکیان باشد معبد آناهیتا (200 پ. م.)، در کنگار کرمانشاه برخی از خصلت معماری یونانی دارد. از جمله ستون‌های آن که به لحاظ نسبت که بلند و باریک است.

اشکانیان

خاستگاه پارتیان آسیای مرکزی بود. آن‌ها با حرکت به سوی باختر مقدار زیادی از قلمرو سلوکیان را به دست آوردند. معماری پارتیان با ترکیب عناصر یونانی و ایرانی در رشد شکل معماری کار بی‌نظیری کرد و به اظهار مجدد ویژگی‌های نمادین طرح‌های ایرانی پرداخت. دو کار مهم پارتیان در زمینه معماری؛ یکی دستیابی به گنبد روی گوشواره و تکوین ایوان طاقدار است. که هر دو در رشد بعدی معماری ایرانی نقش حیاتی داشت. گرچه، آثار معماری این دوره غالباً ویران شده است اما می‌توان به برخی از نمونه‌های آن اشاره کرد؛ ویرانه‌های کاخ بزرگی مربوط به سده دوم میلادی در الحضر، عراق کنونی، با نمایی از سنگ بریده ساخته شده، دو ایوان بزرگ دارد با دو طاق ضربی که در نما دو اتاق کوچک‌تر جداشان کرده و احتمالاً دو طبقه بوده‌اند. این ایوان‌های بزرگ که موازی‌اند بعدها به ایوان‌های بزرگ عصر اسلامی تبدیل شدند. شاید مهم‌تر از آن اتاق چهارگوش کوچک‌تر باشد که درست پشت ایوان جنوبی است. این نوع اتاق دارای طاق چهارگوش که اطرافش را نوعی راهرو احاطه کرده، سرانجام در عصر ساسانی و پس از ظهور اسلام به اتاق دارای گنبد چارگوش تبدیل شد که در معماری ایرانی سخت پایدار گردید. این اتاق طاقدار در الحضر ظاهراً عبادتگاه بوده که یادآور آتشگاه‌های هخامنشی است، ولی در اینجا به جای سقف مسطح و ستون‌دار دارای سقف طاقدار است.

کاخ آشور، یکی دیگر از بناهای اشکانی و مربوط به سده اول میلادی است. چهار ایوانی است که به یک حیاط چهارگوش مرکزی مشرف هستند. شکل چلیپایی اندکی نامنظم است، یعنی ضلع‌های شمالی و غربی حیاط درازتر از ضلع‌های جنوبی و شرقی است. این طرح با تغییرات کوچکی، همان نقشه چهار ایوان است که شالوده مسجدها، مدرسه‌ها و کاروانسراهای ایرانی را در طی تاریخ بعدی تشکیل می‌دهد.

این کارهای بزرگ در زمینه شکل‌های معماری ذاتا ایرانی بود، ولی آرایش و نماسازی پارتیان با مایه‌های یونانی یا پس از پیروزی تراژان (ترایانوس) و دیگر امپراتوران روم، با شکل‌های رومی پیوند نزدیکی داشت. نمای کاخ آشور با جلوخان ایوان مرکزی‌اش که ردیف‌های ستون‌های به هم پیوسته‌اش صفه‌هایی را به وجود آورده است ارتباط نزدیکی به کاخ بعدی ساسانی در تیسفون دارد و در جزئیاتش اقتباس‌هایی از نمونه‌های رومی دیده می‌شود. در مورد بناهای اشکانی به همین مقدار اکتفا می‌شود و معماری در عهد ساسانی می‌پردازیم.

ساسانی

اولین بنای بر جا مانده از ساسانیان از اردشیر اول است که هنوز خراجگزار پادشاه اشکانی بود. او کاخ خود را در فیروزآباد ساخت که طبعاً ویژگی‌های معماری اشکانی را دارد. این کاخ رام اردشیر نام دارد با انگیزه سیاسی ساخته شده است. زیرا داعیه‌ای بود برای استقلال و کانون عصری تازه. این کاخ ویژگی‌های معماری عصر هخامنشی را دارد. طول نمای کاخ حدود 60 متر است، دهانه طاق ایوان بزرگ مرکزی 13 متر، پشت ایوان مرکزی که در هر طرفش دو ایوان مستطیل قرار دارد، سه اتاق چهارگوش گنبددار دارد. قدیم‌ترین گنبدهای شناخته‌شده ایرانی که بر روی دیوارهایی به قطر 4 متر قرار گرفته است.

پیشتر از این کاخ، قصر برج و باروداری به نام قلعه دختر به فرمان اردشیر ساخته شده بود که برگردانی از کاخ فیروزآباد است. دیوارهای این کاخ از سنگ‌های ناصاف به کمک ملاط ساخته شده و روی آن را سفیدکاری کرده‌اند. جزئیات تزیینات معماری از کاخ‌های هخامنشی در تخت جمشید اقتباس شده، بی‌شک با نیت ایجاد حس استمرار و پیوستگی میان دو سلسله. از جمله این جزئیات قرنیزهای گچبری است که اصلاً از مصر اقتباس شده و در درهای مسطح هخامنشی با موفقیت زیبایی‌شناختی بیشتری به کار برده شده تا در این سردر یا جلوخان قوسی پارتی. ساسانی. بدین سان، ساسانیان در عین این که به تکوین شکل‌های مهم پارتی ادامه دادند و خود دستاوردهای باارزشی بر آن افزودند، در ضمن از ادامه شکل‌های قدیم ایران، به ویژه آن‌چه با عظمت هخامنشیان مربوط بود پشتیبانی کردند.

ساسانیان که در ایالت جنوبی فارس ظهور کردند به نقش خویش در مقام جانشین شاهنشاهان هخامنشی می‌بالیدند و احیای افتخارات گذشته را رسالت خویش می‌دانستند یکی از راه‌های ارتباط آنان با هخامنشیان هنر و معماری است. هنر و معماری هر دو بازتابی از توانایی و منش آنان بود. همه حالتی پهلوانی داشت: دارای مقیاسی بزرگ با شکل‌های نیرومند، ابدایی، امرانه و غالباً دارای رنگ‌های مجلل. فاصله 550 سال پس از ویرانی تخت جمشید شاهد خرابی سبک و افت در سنت طراحی ایرانی شده بود؛ ولی در زمان ساسانیان روح ایرانی کاملاً به هنرهای خلاق بازگشت.

معماری ساسانی را نمی‌توان با ضابطه واحدی به طور جامع بیان کرد. بناهای بر جای مانده. هر چند کمتر از آن است که بتوان تعمیمشان داد. اقتباس از منابع گوناگونی را نشان می‌دهند. آن‌ها از لحاظ تنوع سبک و ساختمان با عادات محلی متمایز می‌شوند. به علاوه در طی چهار قرن دولت ساسانی، به ویژه در ساختن طاق و گنبد تغییرات زیادی پدید آمد.

برجسته‌ترین یادگار شاهنشاهی ساسانی طاق کسری در تیسفون واقع در عراق مرکزی است. پوپ از آن به ویرانه باوقار یاد می‌کند. کاخ تیسفون، که احتمالاً در زمان شاپور اول در نیمه دوم سده سوم ساخته شده، نمونه جالب از ایوان ساسانی است. بخش باقی‌مانده همچون صخره‌ای خاکستری بر بالای دشت سربرافراشته است. ایوان آن دهانه‌ای به قطر 25 متر. بزرگتر از هر طاق اروپایی. بلندی 30 متر و عمق آن نزدیک به 50 متر است. بر بالای این طاق، زمانی یک دیوار به بلندی 7 متر وجود داشت. در این نما چند ردیف طاقنمای کم‌عمق با ستونچه‌هایی به وجود آمده که اندازه هر ردیف بادیگری متفاوت است. محورهای عمودی امتدادنیافته، و این برای هواداران معماری ناب ناراحت‌کننده است، زیرا آنان عقیده دارند همه تابع‌های حامل بار باید دارای مختصات قائم باشد. ولی در این نما ستونچه‌ها باری تحمل نمی‌کنند و مانند طاق‌های متعدد جنبه زینتی دارند. آن‌ها از طرفی عظمت بنا را تأکید دارند و در همان حال یک‌نواختی و خشونت یک چنین نمای عظیمی را تعدیل می‌کنند. به علاوه عنصری از شگفتی‌نرمش، و آهنگی پادضرب پدیدمی‌آورند که با سایه‌های جابه جاشونده تشدید می‌شود و به کل بنا روح می‌بخشد.

در اینجا مسیر بحث را عوض کرده و به جای آن که در تونل تاریخ حرکت کنیم و به ویژگی‌های معماری بناهای شاخص در دوره‌های بعد بپردازیم به دو بنا که اکنون در دو قلمرو سیاسی مجزا هستند، یعنی قلعه والی و قلعه شیروانه. این دو بنا که هر دو کاخ هستند به نام قلعه شهرت دارند. ابتدا سعی می‌شود با تحلیل واژگانی به واژل قلعه بپردازیم سپس وارد بحث ویژگی‌های معماری آن دو شویم و بسنجیم که چه نسبتی با معماری عصر ساسانی یا دوره‌های بعد دارند.

بازتاب معماری کهن ایرانی در دوره‌های مختلف اسلامی

یکی از ویژگی‌های معماری در ایران، این است که معمولاً بنایی را به جای بنای دیگری که در طول تاریخ ویران شده می‌سازند. بنا به گفته هرتسفلد هم در پیش از اسلام و هم در دوره اسلامی از مصالح ساختمان‌های موجود در ساختن بنای جدید استفاده می‌شده است (1381: 282). یکی از ویژگی‌های معماری دوره ساسانی، کاربرد خشت خام در معماری ضربی است. گچ‌بری‌های تزیینی نیز از دیگر ویژگی‌های معماری این دره است که البته خاستگاه مشرق ایران و عصر اشکانی است (هرتسفلد، 1381: 299). طاق‌های قوسی با تزیینات گل و گیاه نیز از ویژگی‌های معماری کهن ایران است که در دوره‌های اخیر نیز در ادامه آن سنت باقی مانده است.

قلعه

قلعه جمع قلعه؛ قلاع، قلع به معنی حصار و پناهگاه در کوه. حصار استوار در کوه، حصار در پناه‌جای بر کوه (دهخدا، 1377: ذیل قلعه). قلعه یکی از انواع بناهایی است که در جای جای ایران و حوزه‌های تحت نفوذ آن ساخته شده است. یکی از گمانه‌ها در باره آن‌ها این است که یک نوع سنت معماری است که از عهد باستان تا کنون رایج بوده و نوعی مأمن بوده که ساکنین را از حملات دشمن احتمالی محافظت می‌کرده است. نمونه آن

قلعه گردیز است که در شاهنامه به هنگام رویارویی گردآفرید و سهراب می‌بینیم. در دوران اسلامی نیز این نوع ساختمان در حوزه‌های مختلف ساخته شده است که عمدتاً بر بنایی مخروطی از روزگرن دور بنا شده است. ظن پژوهندگان این مقاله نیز این است که قلعه‌های والی در ایلام و هم قلعه شیروانه از چنین ماهیتی برخوردارند. علت مقایسه قلعه والی ایلام و شیروانه به این دلیل است که استان ایلام در محدوده جغرافیایی غرب زاگرس و مشرف بر جلگه بین‌النهرین واقع شده است، از این روی، این ناحیه حد فاصل ساکنان کوه و دشت قرار داشته و نقش عمده و اصلی ارتباطی تمدن‌های زاگرس و بین‌النهرین را برعهده داشته است. وجود جاده‌های مواصلاتی، کاروانسراها، چاپارخانه‌ها، پل‌های باستانی و از همه مهم‌تر قلاع تاریخی و باستانی از دلایل مستند این ارتباط به شمار می‌روند. حاکمان برای این که بتوانند بر مناطق تحت سلطه خود مسلط باشند به اجبار اقدام به ساختن دژها و قلعه‌های مستحکم در نقاط استراتژیک کرده‌اند. وجود قلعه‌های متعدد در استان ایلام و نیز در گرمیان این موضوع را تأیید می‌کند (محمودیان، 1383: 12). قلعه‌ها که عموماً خندق هستند، کارکردهای گوناگونی داشته‌اند. برخی حکومتی، برخی مسکونی و برخی حکومتی. مسکونی بوده‌اند؛ البته نمونه کامل مسکونی، بدون داشتن بخش حکومتی بسیار نادر است. قلعه‌های استان ایلام در دوره قاجار، به طور عموم و دو قلعه مورد نظر به طور خاص و نیز قلعه شیروانه از نوع قلعه‌های حاکم‌نشین بوده‌اند.

معماری قلعه

شکل، وسعت، جنس و تعداد برج و باروها قلعه‌های دوران اسلامی، بستگی به عوامل متعددی داشت. عوامل طبیعی و اجتماعی دو اصل مهمی است که در ساختار قلعه اهمیت داشت. قلعه‌های ایلام عمدتاً دارای دیواری بلند، عریض و طولانی و برج‌هایی استوانه‌ای یا چند وجهی و یک یا چند دروازه برای ورود و خروج و گاهی نیز خندقی در گرداگرد خود بودند که دسترسی به آن را دشوار می‌کرد. با وجود تفاوت‌هایی که از نظر شکل، ابعاد، اندازه، طرح و مصالح در این گونه قلعه‌ها وجود دارد، از لحاظ نوع مناسبات حاکم بر زندگی یکسان بودند. این مناسبات در کنار عوامل قلعه‌نشینان، تقریباً طبیعی و جغرافیایی منطقه، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری بافت ساختمانی و عملکرد بخش‌های مختلف قلعه‌ها بر عهده داشته که نوعی ویژه از معماری را رقم می‌زنند (زارعی و باباکمال، به نقل از پازوکی، 1393: 199).

ایلام

استان ایلام در غرب ایران و هم‌مرز با کشور عراق است. این استان شامل شهرستان‌های ایلام، مهران، دهلران، ایوان، دره‌شهر، آبدانان، شیروان و چرداول می‌باشد. قلعه‌های والی ایلام (تابستانی) و کنجان چم مهران، (زمستانی) دوتا از چهار قلعه ایلام (قلعه والی ایلام، قلعه کنجان چم مهران که زمستانی است، قلعه پوراشرف که در دره شهر به دستور اشرف‌العشایر ساخته شده و قلعه میرغلام هاشمی که در یکی از روستاهای دره شهر ساخته شده) است همگی در دوران قاجار ساخته شده است (محمودیان، 1383: 7).

قلعه‌های والی ایلام و کنجان چم

والی ایلام در طی دوران حکمرانی خود بر ایلام دستور ساخت دو قلعه زمستانی و تابستانی را داده است که هر دو به قلعه والی معروف هستند؛ اولی در کنجان چم است و به قلعه والی کنجان چم مشهور است که یک بنای تاریخی مستطیل‌شکل یک اقامت‌گاه زمستانی برای خاندان والی و نیز اخذ عوارض و مالیات از رعیت است که در دوره قاجار، در سال 1326 ه.ق به دستور غلامرضاخان و برای سکونت والی برای اقامت زمستان در 15 کیلومتری شمال شرقی شهرستان مهران در منطقه امیرآباد در میان تنگه‌ای به نام کنجان چم در نزدیکی رودخانه کنجان چم در یک طبقه با زیرزمین ساخته شد. در طراحی قلعه فضاهای مختلف مورد نیاز مانند استراحتگاه، اندرونی، حرمرسرا، اصطبل، سیاهچال، حمام، مطبخ و شاه‌نشین و هشتی ایجاد شده است. سرویس بهداشتی در فضای داخل برج نگهبان قرار دارد. مصالح به کار رفته در قلعه بوم‌آورد است و تماماً در محل تهیه شده‌اند. بیشتر مصالح به کار رفته سنگ و ملات گچ و در بخش‌هایی از آجر برای زیبایی کار استفاده شده است (کیانی، 1379: 10-11). و دومی به قلعه والی معروف است. یکی از بناهای مهم فرهنگی. تاریخی استان ایلام است که در دوران قاجار به دستور غلامرضاخان، والی ایلام به منظور اسکان خود در فصل تابستان در حسین آباد ایلام فعلی در یک طبقه همراه با زیرزمین بر روی تپه‌های تاریخی چقامیرگ 4 و در کنار چشمه آب ساخته شده است (لشکری، 1379: 10).

مصالح

عمده مصالح به کار رفته در ساختمان قلعه، آجر (اسکلت و سازه اصلی بنا)، در مواردی از سنگ از جمله کرسی‌چینی دیوار حائل در ضلع جنوبی است. قلعه دارای شش زیرزمین، 20 اتاق بزرگ، 5 اتاق کوچک، 4 ایوان و 2 تراس کوچک در ضلع جنوبی است. سرویس و حمام از دیگر فضاهای قلعه هستند. همانند دیگر قلعه‌ها اتاق‌ها کاربردهای مختلفی داشته است.

پلان و روابط فضایی

قلعه دارای حیاط مرکزی و به صورت درون‌گرا ساخته شده است. بیشتر اتاق‌های قلعه تبادل داخلی داشته و تو در تو بنا شده‌اند. حیاط مرکزی به صورت مستقیم و یا از طریق ایوان با چهار ضلع بنا ارتباط دارد. این بنا دارای سه ورودی در سه ضلع است که ورودی اصلی قلعه در سمت جنوب واقع است. در داخل حیاط قلعه حوض مستطیل و هشت گوش و نامنظمی تعبیه شده است. در سه جبهه اضلاع شمالی، شرقی و غربی اتاق‌ها و تالارهایی ایجاد شده و در ضلع شمالی قلعه تالار شاه‌نشین زیبایی وجود دارد (همان، 11). ضلع شرقی و غربی بنا در محور اصلی کاملاً قرینه هستند. در ضلع شمالی قلعه و دقیقاً ورودی، فضایی به عنوان تالار شاه‌نشین هست که ابعاد و اندازه‌های داخلی آن بزرگ‌تر از سایر اتاق‌ها است و در وسط آن حوض کوچکی قرار دارد. همچنین در نمای بیرونی با سایر اتاق‌های قلعه متفاوت است و به وسیله اوری و شیشه‌های الوان و تزیینات آجری لعاب‌دار متفاوت شده است (ارجمندی، 1384: 47-46). بعد از هر دو برج دو هشتی روباز وجود دارد که در کنار برج شمال شرقی بنا، سرویس بهداشتی قلعه قرار دارد.

ورودی

ورودی اصلی با پلکان‌هایی به خیابان و محوطه جنوب مقابل قلعه مشرف می‌شود. وجود پلکان‌ها بیان‌گر اختلاف سطح محوطه زیربنای قلعه با اراضی پست مجاور آن در سمت جنوب است (لشکری، 1379: 10). پس از درگاه ورودی وارد هشتی می‌شویم که دو اتاق کوچک در طرفین آن تعبیه شده است. همچنین پس از هشتی با گذشتن از چند پله وارد حیاط اصلی قلعه می‌شویم که وجود پله‌ها مانع دید مستقیم و اشراف کامل در بدو ورود به داخل حیاط شده است. فضاهای ورودی شامل پیشتاق، درگاه، سکو، هشتی و... است. تزیین‌ها در ضلع شمالی قلعه تالار شاه‌نشین زیبایی وجود دارد که با سنگ مرمر مزین شده و در زمان بازسازی با کاشی‌های رنگی تزیین گردیده است (همان، 11). از قوس‌های جناغی، قوس نیم‌دایره (هلالی و قوس سه قسمتی که فقط برای نماسازی استفاده شده و اطراف آن‌ها به وسیله گل‌چین‌های آجری و آجر رنگی تزیین شده‌اند. به منظور کم کردن حجم دیوارها و نیز عدم یکنواختی دیوار از طاق‌نماهایی در ابعاد کاملاً یک‌سان استفاده شده است (ارجمندی، 1384: 47). تالار آیینی از مهم‌ترین فضاهای قلعه بوده که متأسفانه تخریب شده است. استفاده از سنگ در این بنا به صورت سنگ ازاره در نمای داخلی حیاط مرکزی است که در قطعاتی از نقوش اسلیمی هندسی برای نماسازی و تزیین حکاکی شده است (همان، 49). اتاق‌ها مشرف به انتهای اضلاع غربی و شرقی در قسمت جنوب دارای تزیین‌های آینه‌کاری و نقاشی‌هایی با نقوش انسان و تزیین‌های گوناگون هندسی است و در تزیین درهای چوبی و پنجره‌ها از شیشه‌های رنگی در فرم‌های اشکار هندسی استفاده شده است. سایر اتاق‌ها فاقد تزیین و نقوش بوده، در ضمن سادگی دارای تقسیم‌بندی‌های خاصی است که به کمک طاق‌های جناغی و کادربندی‌های قاب‌مانند و مقرنس‌کاری‌های ساده و کم‌عمق صورت گرفته است. داخل بعضی فضاها با طاق‌نماهایی هلالی شکل در کادر مستطیل شکل تزیین شده است. نمای بیرونی و خارجی قلعه که مشرف به اماکن و زمین‌های جهات اربعه آن در خارج استکلا ساده و فاقد هرگونه تزیینی است بجز نمای آجری هشتی ورودی اصلی در ضلع جنوبی و برجستگی‌هایی در جرزهای پشتیبان در اضلاع شرقی و غربی آن و نیز برج‌های نیم‌استوانه‌ای و کنگره‌های قلعه ترکیبات و تزیینات دیگری مشاهده نمی‌شود. (لشکری، 1384: 14). همچنین گچبری بر روی دیوارها و سقف اتاق شاه‌نشین در نقوش گل و گیاه اجرا شده است. تاقچه‌های متعدد، کاشیکاری، ستون‌های دایره‌ای با سرستون‌های منقوش (گچبری‌شده) از دیگر تزیین‌های قلعه است.

پلان و روابط فضایی مربوط به قلعه والی در مهران است.

پلان قلعه به صورت درون‌گرا ساخته شده و دارای حیاط مرکزی است که داخل آن حوض سنگی بزرگی تعبیه شده است. اتاق‌ها در سه ضلع شمال، جنوب و غرب قرار دارند و تمامی آن‌ها دارای دو درگاه برای تبادل ارتباط با اتاق‌های جنبی خود هستند. با این وجود حیاط مرکزی با تمامی اتاق‌های قلعه ارتباط مستقیم دارد. اتاق‌های موجود در ضلع شمال و جنوب کاملاً با یکدیگر از لحاظ فرم، نوع طاق و طاقنماها و... قرینه هستند. اما وجود حمام در قسمت جنوبی بنا تقارن شکلی پلان را برهم زده است. اتاق‌های ضلع غربی نیز از لحاظ اجرایی و فرم معماری با دیگر اتاقها قرینه هستند. فضای روباز تعبیه شده در رأس ضلع شمال شرقی بنا دارای یک حوضچه تزیینی در کف و یک توالی در فضای برج نگهبانی است که درگاه آن به این فضا مرتبط می‌شود (ارجمندی، 1384: 77-78). قلعه دارای بخش‌های مختلف شاه‌نشین، اندرونی، نگهبانی و دیگر تعلقات بنا بوده است (مجدیان، 1383: 88).

در بالای سردر ورودی و در ضلع شرقی آثاری از دیوار وجود دارد که نشان‌دهنده وجود یک اتاق به ابعاد خاص است و آثاری از گچبری و تزیینات گچی در بدنه و استفاده بقایای دیوار آن باقی مانده است که نشان‌دهنده اهمیت از این اتاق است. که می‌توان گفت این اتاق کاربری شاه‌نشین یا اتاق مهمان داشته و مورد استفاده خانواده خان بوده است (ارجمندی، 1384: 80).

ورودی قلعه

در میانه طول جنوب شرقی قلعه ورودی زیبایی با کمی شکستگی رو به بیرون وجود دارد که تأکید بیشتری را القا مینماید. ورودی با نمایی با دو جرز پیش آمده در طرفین درگاه و دو طاق‌نمایی که جرزها را به دیواره اصلی قلعه متصل می‌سازد زیبایی خاصی دارد. در پس درگاه، ورودی هشتی جای دارد که با چرخشی 90 درجه به دالان ارتباطی منتهی به حیاط متصل می‌شود (کیانی، 1379: 11). فضاهای ورودی شامل پیشتاق، درگاه، سکو و هشتی و... است.

گرمیان

گرمیان به عربی کرمان یک منطقه مسکونی در جنوب سلیمانیه و غرب استان کرکوک در اقلیم کردستان عراق است که 231 متر بالاتر از سطح دریا قرار دارد. اقلیم کردستان عراق از شرق با جمهوری اسلامی ایران، از شمال با ترکیه و از غرب با سوریه هم‌مرز است و مرکز آن شهر اربیل (هولیر) می‌باشد.

منطقه امروزی کردستان عراق در دوران باستان بخش اصلی امپراتوری آشور را تشکیل می‌داده است. در زمان ساسانیان منطقه امروزی عراق را سورستان یا دل ایران‌شهر می‌نامیدند و طبق تقسیمات کشوری زمان ساسانیان، سورستان به دوازده استان و شصت و دو شهرستان تقسیم شده بود. بیشتر بخش خاوری منطقه امروزی عراق در استان شادی پیروز قرار داشت. شمال غربی کردستان عراق، استان بالا نام داشت. شهرهای بزرگ آن دوره در این منطقه، اربیل، گرمیان و آشب (عمادیة امروزی بودند. همه منطقه امروزی کردنشین تا سال 1514 میلادی یکی از ایالات ایران بود که در جنگ چالدران بین نیروهای شاه اسماعیل صفوی اول و سلطان سلیم عثمانی بر اثر شکست نیروهای ایرانی (1514 م.) از ایران جدا شد و به قلمرو عثمانی ضمیمه شد.

این منطقه کوهستانی است. ارتفاع متوسط کوه‌های آن 2400 متر و در برخی جاها ارتفاع کوه‌ها به 3300 متر نیز می‌رسد که پوشش جنگلی اقلیم هم در همین ارتفاعاً بلند قرار دارد. دارای زیبایی‌های طبیعی و مناسب گردشگری است. علاوه بر این دارای آثار باستانی زیادی است. قلعه شیروانه یکی از این آثار است.

قلعه شیروانه

این قلعه که در دروازه شهر کلار واقع شده به دستور محمد پاشای جاف در سال 1734 میلادی برای اقامت خود به عنوان محل مدیریت امور عشایری ساخته شده است. دارای دو طبقه، یک زیر زمین و هشت اتاق است. تالار و هشتی نیز از جمله بخش‌های آن است. این قلعه بر روی یک تپه واقع شده است. در سال 1800 مرمت شده، امروزه تغییر کاربری داده و به صورت یک موزه درآمد است.

به نظر می‌رسد که قلعه شیروانه نیز یک بنای مستطیل شکل باشد که از جمله قلعه‌های حکمران‌نشین بوده که برای دریافت عوارض و مالیات از رعیت است. دو طبقه با زیرزمین ساخته شد. در طراحی آن، فضاهای مختلف مورد نیاز مانند استراحتگاه، اندرونی، حرمسرا، اصطبل، سیاهچال، حمام، مطبخ و شاه‌نشین و هشتی ایجاد شده است. سرویس بهداشتی در فضای داخل برج نگهدارنده قرار دارد. مصالح به کار رفته در قلعه بوم‌آورد است و تماماً در محل تهیه شده‌اند. بیشتر مصالح به کار رفته سنگ و ملات گچ و در بخش‌هایی از آجر برای زیبایی کار استفاده شده است.

تحلیل و تطبیق یافته‌ها

الگوها و اشتراکات در طراحی قلعه‌ها

محققان بر اساس موقعیت، نوع و کارکرد قلعه‌های ایرانی، آن‌ها به دو دسته کلی تقسیم می‌کنند. کوهستانی و جلگه‌ای که به لحاظ موقعیت، کاربری آن‌ها متفاوت می‌شود. عمدتاً کاربری قلعه‌ها همان‌طور که پیشتر هم یاد شد نظامی، سرحدی، راهداری، حاکم‌نشین و ... بوده است. موقعیت قلعه‌های کوهستانی عمدتاً در صعب‌العبورترین بلندی کوهستان بنامی شده است. طرح و نقشه آن‌ها از پیش آماده نیست. عوامل طبیعی بر ساخت حصارها، برج‌ها، اتاق‌ها و ورودی‌ها سیطره داشته است و ورودی‌ها را با توجه به موقعیت طبیعی صخره‌ها احداث می‌کردند (کیانی، 1386: 15). این نوع قلعه‌ها بر اساس پیشینه تاریخی و موقعیت استراتژیک آن‌ها ساخته می‌شده است. نمونه‌های تاریخی آن برج و باوهای است که برای مقابله با خطر مشتر بابل و آشور بوده است. «برعکس قلعه‌های احداث شده در دشت دارای طرح مشخصی بوده‌اند. شکل هندسی خاصی داشته‌اند؛ عمدتاً مربع یا مستطیل، چند ضلعی و مدور بوده‌اند» (کیانی، 1386: 15).

نتیجه و پیشنهاد

در قلعه‌های دوران اسلامی، شکل، جنس، وسعت، هر شهر و نیز تعداد برج‌ها و باروها به اهمیت اجتماعی و طبیعی هر منطقه بستگی داشت. اما عموم آن‌ها دارای دیواری بلند، و گاهی نیز خندقی درگرداگرد خود بودند که دسترسی به آن را دشوار می‌کرد. با وجود تفاوت‌هایی که از نظر شکل، ابعاد، اندازه، طرح و مصالح در این گونه قلعه‌ها وجود دارد از لحاظ نوع مناسبات حاکم بر زندگی یکسان بودند. این مناسبات در کنار عوامل قلعه‌نشین تقریباً طبیعی و جغرافیایی منطقه نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری بافت ساختمانی و عملکرد بخش‌های مختلف قلعه‌ها بر عهده داشته‌اند و همه آن‌ها را در نوع ویژه‌ای از معماری گردآورده است که در این گونه قلعه‌ها وجود دارد.

از تأثیرات معماری ایرانی بر این بناها گفتیم. اما نباید از تأثیرات معماری همسایگان غربی بر این بناها غافل بود مخصوصاً معماری آشوری و مصری که طبعاً هم از طریق همجواری و هم به دلایل جنگ‌هایی که در این مناطق با یکدیگر داشته‌اند، اثرگذار بوده‌اند، مخصوصاً بناهای چهار ایوانی آشوری که در دوره اسلامی شالوده مساجد، مدرسه‌ها و کاروانسراهای ایرانی را در ط تاریخ بعدی‌اش تشکیل می‌دهد. همان‌طور که گچ‌بری‌های عصر ساسانی نیز به ودیعه به معماری مساجد داده شد. می‌توان نتیجه گرفت که معما در پیشرفت جوامع و تمدن‌ها نقش اساسی دارد. زیرا هم تجلیگاه آن پیشرفت است و هم شکل‌دهنده آن. از سوی دیگر معماری یکی از راه‌های تبادلات فرهنگی است. به دلیل آن که نمود عینی آن بیش از هر عنصر فرهنگی دیگری است می‌تواند در ارتباطات فرهنگی میان جوامع گوناگون نقش مهمی ایفا کند.

منابع

1. پوپ، آرتور (1385)، معماری ایران، غلامحسین صدری افشار، چاپ سوم، تهران: نشر اختران.
2. زارعی، مجدبراهیم و یدالله حیدری باباکمال (1393)، اهمیت قلاع و استحکامات دوره قاجار منطقه شهداد در برقراری امنیت اجتماعی حاشیه غربی کویر لوت، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره چهارم، ش. 6.
3. دهخدا، علی‌اکبر (1377)، لغت‌نامه، مجد معین و سیدجعفر شهیدی، جلد 11، چاپ دوم از دوره جدید، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
4. سهیلی، جمال‌الدین و همکاران (1394)، «الگوهای طراحی معماری قلعه‌های استان ایلام در دوره قاجار با تأکید بر الگوی رفتاری»، هنر و معماری، ش. 21.
5. کیانی، مجد (1379)، طرح مرمت قلعه کنجان‌چم مهران، ایلام: آرشیو روابط عمومی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام.
6. گروت، لیندا و دیوید وانگ (1386)، روش‌های تحقیق در معماری، علیرضا عینی‌فر، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
7. لشکری، ارش (1379)، پژوهشی در قلعه والی، ایلام: آرشیو روابط عمومی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام.
8. محمودیان، حبیب‌الله (1383)، معرفی اجمالی قلعه‌های باستانی استان ایلام، ایلام: انتشارات گویش.
9. هرتسفلد، ارنست (1381)، ایران در شرق باستان، همایون صنعتی‌زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه شهید باهنر.